

ارکان جامعه اخلاقی در آموزه‌های علوی

چکیده

از آنجا که اسلام دینی اجتماعی و احکام فردی آن نیز دارای آهنگ اجتماعی می‌باشد که در جهت اصلاح نمودن و تقویت روابط حاکم بر جامعه و اهداف آن بهره می‌گیرد. قرآن کریم و روایات مملو از اصول و دستورات اخلاقی می‌باشد که بر مبنای آن‌ها می‌توان بهترین و دقیق‌ترین برنامه جامعه اخلاقی مطلوب را پی ریخت. بنابراین هدف اسلام و انبیاء الهی ساخت جامعه‌ای دیندار در پرتو اخلاق بوده است که در آن سعادت و کمال فرد در ارتباط با سعادت و کمال جامعه پیوند خورده و میان مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاق، ارتباط قوی و لاینفک وجود داشته باشد. ارکانی برای جامعه اخلاقی وجود دارد که قوام جامعه بدان مربوط است.

کلیدواژه: جامعه اخلاقی، ارکان جامعه اخلاقی، صداقت، وحدت، عدالت

1- مقدمه

ایجاد جامعه اخلاقی از اهداف والای دین اسلام می‌باشد که توصیه‌های اخلاقی منابع دینی مؤید این مطلب می‌باشد. دستورات دین در راستای پیاده و طراحی نمودن جامعه اخلاقی، ارکانی را به عنوان ضروریات دانسته که مقدمه‌ای برای تشکیل و نیل به اهداف والاتر اخلاقی می‌باشد. تحقیق حاضر در تلاش است تا ارکان جامعه اخلاقی را مشخص نماید. با جستجو در منابع مقاله‌ای در این موضوع نگاشته نشده است. برای درک بهتر و شایسته‌تر از جامعه اخلاقی، به چند رکن مهم اشاره می‌نماییم تا آن جلوه‌ها، راه شناخت بهتر جامعه را نشان دهد:

2- بحث

برای ایجاد و تثبیت جامعه اخلاقی، ارکان‌های مختلفی را می‌شود در نظر گرفت. اما آن‌چه از بقیه ارکان بیشتر حائز اهمیت می‌باشد صداقت، حق‌پذیری، وحدت و همبستگی و عدالت است که اینک به بررسی آن پرداخته می‌شود:

2-1. صداقت

رکن نخست جامعه، صداقت است. راستی و درستی ویژگی می‌باشد که جامعه اخلاقی را از سایر جوامع متمایز می‌کند. صدق در لغت به معنی راست گفتن و متضاد با دروغ است. (الفراهیدی، 1410؛ 5، 56) و در اصطلاح مطابقت کلام با واقعیت، سیرت با سریرت و عقیده با حقیقت است و به کسی صادق گویند که در رفتار، گفتار و کردار و اعتقاد راست و درست باشد. (حسابدار، 1375؛ 107؛ نراقی، بی‌تا؛ 2، 344)

خلافت امیرمؤمنان با صداقت و صراحت آغاز شد و این ویژگی تا آخرین لحظه حیات ایشان متبلور بوده است. پایه و اساس حکومت امیرمؤمنان، بر صداقت و صراحت بود و به هیچ عنوان دست از صداقت برنداشتند و به مردم دروغ نگفتند. امیرمؤمنان از ابتدا مردم را مَحَرَمِ اسرار خود می‌دانستند که پس از کشته شدن عثمان، بیعت با خویش را در مسجد مطرح نمودند: «فَإِنَّ الْمَسْجِدَ فَإِنَّ بَيْعَتِي لَا يَكُونُ خَفِيًّا وَلَا تَكُونُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ» (ابن اثیر،

1385ق؛ 3، 191) در اندیشه سیاسی امیرمؤمنان، صداقت و صراحت از برجسته‌ترین ویژگی‌هایی است که زمامدار باید دارا باشد. همانگونه که امیرمؤمنان در اولین خطبه حکومتی خود فرمودند: «ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيئَةً وَ أَتَا بِهِ رَعِيْمٌ - عهده ام در گرو درستی سخنم قرار دارد، و نسبت به آن ضامن و پای بندم» (سیدرضی، 1414ق؛ 57)

صداقت، کرامت و شخصیت انسان را نشان می‌دهد و موجب جلب احترام، محبت و اعتماد مردم و کسب آرامش خاطر و اعتبار در جامعه می‌شود. در این رابطه امیرمؤمنان فرمودند: «يَكْتَسِبُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ ثَلَاثًا حُسْنَ الثَّقَةِ بِهِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُ وَ الْمَهَابَةَ عَنْهُ» (تمیمی آمدی، 1366؛ 219)

برخی از سیاستمداران به هیچ التزامی پای‌بند نبوده، به وعده‌هایی که داده عمل نمی‌کنند و به حرف‌هایی که می‌زنند پای‌بند نیستند. اما امیرمؤمنان آموزش دادند که زمامدار باید با عهد و پیمانی که با مردم بسته است، وفادار بماند و پای‌بند گفته خویش باشد و همیشه صداقت و صراحت را در کار خویش پیاده نماید. امیرمؤمنان در خطبه‌ای، خود را چنین توصیف نمودند: «وَ اللّٰهُ مَا كَتَمْتُ وَ شَمَمْتُ وَ لَا كَذَبْتُ كِذْبَةً - به خدا سوگند، که هیچ سخنی را پنهان نداشته ام و دروغ نگفته ام» (همان)

این خصیصه می‌بایست در حاکمان و مردم وجود داشته باشد تا دو چهرگی رخت بندد و یک‌زبانی و یک‌دلی جایگزین آن گردد. زمانی که صداقت باشد، دیگر کسی به دنبال زیان رساندن به دیگران نمی‌باشد، راه‌حل‌های مناسبی در مشکلات ارائه می‌گردد و در صورت اشتباهی در تشخیص، آن را می‌پذیرد. صداقت و امانت، از جمله ویژگی‌های اخلاقی می‌باشد که دو رکن رکین دعوت پیامبران الهی می‌باشد: «إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا يَصْدُقُ الْحَدِيثَ ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ» (کلینی، 1407؛ 2، 104)

در مقابل، اگر در جامعه‌ای صداقت رخت بندد و خیانت و دروغ جایگزین گردد، آن موقع است که ارزش‌ها دچار آفات می‌شوند و جامعه در مسیر افول قرار می‌گیرد. جامعه به سرمایه‌های نظیر آسایش همگانی نیازمند است، وانگهی اگر این سرمایه با دروغ و نیرنگ به مخاطره افتد، راه‌های انحراف و فساد اخلاقی هموار و خیر و رستگاری مسدود می‌گردد و سالم و صالح بودن جامعه به خطر می‌افتد. فرمایش «الصَّادِقُ صَلَاحٌ كُلُّ شَيْءٍ وَ الْكَاذِبُ فَسَادٌ كُلُّ شَيْءٍ» (لشی واسطی، 1376؛ 44) تأییدی بر مطلب ما می‌باشد.

در اسلام، اهمیت ویژه‌ای به عبادات و مناسک مذهبی شده است که هدف آن قرب انسان به ذات باری تعالی و رسیدن به رستگاری است. اما اگر در جامعه‌ای شعائر دینی برپا گردد، ولی از راستی و صداقت سخنی در میان نباشد، آن جامعه اسلامی نخواهد بود. در این مورد حدیثی با تعبیری تند از رسول اکرم رسیده است: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ.» (ابن بابویه، 1376؛ 303) مقصود این تعبیر سبک شمردن نماز، روزه، حج و انفاق نمی‌باشد، بلکه مقصود این است که این علائم، نشانه دینداری افراد معرفی نشود و به دو رکن اساسی دین یعنی صداقت و امانت توجه شایانی شود. (مکارم شیرازی، 1428؛ 3، 155) نمود و بروز جامعه اخلاقی در اسلام، صداقت است که بدون پاسداشت آن جامعه اخلاقی تشکیل نخواهد شد. جامعه که متشکل از مردم و مسئولین

هستند می‌بایست صداقت را در زندگی و اهداف خود پیاده نمایند و در کارها صداقت را نصب العین خویش قرار دهند.

2-2-1. کارکرد صداقت

- در کلام امیرمؤمنان نتایجی برای صداقت برشمرده شده که بدین شرح است:
- ا. صلاح و سامان امور را در گرو صداقت و عدم صداقت، موجب فساد می‌باشد:
«الصَّدَقُ صَلَاحٌ كُلُّ شَيْءٍ (لیثی واسطی، 1376؛ 44)
 - ب. هنگامی که صداقت حاکم باشد، موجب الفت مردم با او می‌شود و مناسبات اداری، با سهولت انجام می‌گیرد که در فرمایش امیرمؤمنان بیان شده است:
بِالصَّدَقِ تَكْمُلُ الْمُرُوءَةُ. (لیثی واسطی، 1376؛ 187)
 - ج. صداقت داشتن، موجب نجات و رستگاری و کرامت می‌شود: الصَّدَقُ نَجَاحٌ (همان، 19)
 - د. صداقت، موجب نجات و سلامت می‌شود: عَاقِبَةُ الصَّدَقِ نَجَاةٌ وَ سَلَامَةٌ (همان، 339)

2-2. حق پذیری و ایثار

ارزش پذیرش حق به گونه‌ای واضح و مبرهن است که اگر انسان به درجه‌ای برسد که حق و عدالت را بپذیرد، به ارزش والایی رسیده است. انسانی که خودبین است، سخن حق را می‌شنود اما نمی‌پذیرد. پاسداشت حق در جامعه نویدبخش این است که در مسائل اخلاقی انقلابی شگرف رخ داده است. پایبندی به حق و حق‌پذیری بسیاری از ستم‌ها، حق‌کشی‌ها و رذائل اخلاقی را ریشه‌کن خواهد نمود و نشان از جامعه‌ای سالم و اخلاقی می‌باشد.

والاثر از حق‌پذیری، ایثار و از خود گذشتگی می‌باشد که در فرمایشی امیرمؤمنان چنین تعبیر نموده‌اند: «الْإِثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ» (لیثی واسطی، 1376؛ 19) ایثار علاوه بر این که حق کسی را پایمال نمی‌کند، بلکه از حق خود برای دیگری نیز می‌گذرد مؤید همین گفتار است. در اهمیت این دو سرشت انسانی امیرمؤمنان فرمودند: «عَامِلُ سَائِرِ النَّاسِ بِالْإِنصَافِ، وَعَامِلُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْإِثَارِ» (تمیمی آمدی، 1410؛ 467) این خوی پسندیده که از نمونه‌های بارز جلال و جمال انسان است، از احساس و رأفت درونی انسان خبر می‌دهد که موجب مستحکم‌تر کردن روابط اجتماعی می‌باشد. ایثار و از خودگذشتگی است که در تاریخ ماندگار می‌شود و به تاریخ شکوه و زیبایی می‌بخشد.

3- وحدت

ایجاد وحدت و همبستگی، آرمان هر جامعه اسلامی و اخلاقی می‌باشد که عقل و سنت بر آن تأکید نموده است. قرآن آفرینش جامعه در طبیعت اولین را با تعبیر امت واحده معرفی نموده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (بقره/213) آیه «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» (یونس/19) اشاره به وحدت موجود در جامعه می‌باشد. اما با توجه به اختلافات پیش آمده و اقتضای الهی، مردمی از جامعه هدایت می‌شوند که مورد رحمت خداوند قرار گرفته باشند: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود/118)

ریشه‌های اختلاف نظیر جهل، مطامع مستکبران (قصص/4)، وسوسه‌های شیطان (مائده/90)، تجاوز به حقوق دیگران (بقره/213) می‌باشد و با دعوت اسلام به وحدت، آن را نعمت الهی معرفی نموده است. (آل عمران/103-105)

وحدت جزو لاینفک اسلام و پایه مستدام اجتماع اسلامی می‌باشد. به برخی از دلایل این ضرورت اشاره می‌شود: دین اسلام به سبب این‌که دین خاتم بوده و هدایت بشر را بر عهده دارد «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل عمران/85) و آئین کامل الهی می‌باشد، اختلافات جزئی و غیرمنطقی نمی‌تواند وحدت این امت را دچار خدشه سازد. وحدت اجتماعی سبب هماهنگی جامعه در نیل به هدف و مقصود می‌شود که به همین خاطر امت واحده بر آن اطلاق شده است؛ زیرا زندگی به سادگی و بدون مشاجره سپری نموده و اختلافی در بین آن‌ها نخواهد بود. وحدت، عاملی در تشریع بعثت انبیا و نزول کتب آسمانی گردید تا باعث ایجاد امتی واحد برای بشریت ایجاد نمایند که از ورطه تفرقه نجات یابد، قرآن بدان اشاره نموده است: «إِنَّ النَّاسَ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأُتِرَ لَهُمُ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ لِيُخَكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره/213) از بین رفتن وحدت در جامعه، بنیان جامعه اخلاقی را نابود می‌نماید، زیرا با فقدان اتحاد و وحدت، موجب رواج نزاع، درگیری و کشمکش و اختلاف در جامعه می‌شود که ضعف و از دست رفتن عزت جامعه را به دنبال دارد. به همین سبب خداوند فرموده است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/46)

4- عدالت

نخست به بررسی لغوی و اصطلاحی عدالت پرداخته می‌شود:

4-1. عدالت در لغت

عدالت در لغت خلاف جور و ستم (طریحی، 1363؛ 5، 420) به معنی مساوات (راغب اصفهانی، 1437؛ 551) کسی که مورد رضایت مردم از لحاظ قول و حکمش باشد (الفراهیدی، 1409؛ 2، 38) راه (همان، 40) آن‌چه که با نفس تطابق دارد و در نظر نفس، قابل پذیرش و درست می‌باشد (ابن منظور، 1405؛ 11، 430) حد وسط بین افراط و تفریط (مصطفوی، 1417؛ 8، 55)

4-2. عدالت در اصطلاح

عدالت علاوه بر معنای لغوی، در اصطلاح به هر کسی به اندازه استعدادش و نیز به هر مقداری به اندازه حقش داده شود تا جهان سامان‌مند گردد (فیض کاشانی، 1416؛ 5، 107) و ملکه‌ای است حاصل در نفس انسان که به سبب آن قادر می‌شود بر تعدیل جمیع صفات و افعال، و نگاهداشتن در وسط، و رفع مخالفت و نزاع فیما بین قوای مخالفه انسانی، به نحوی که اتحاد و مناسبت و یگانگی و الفت میان همه حاصل شود. «عدالت گویند، (النراقی، بی‌تا؛ 1، 78)

عدالت از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین آموزه‌های اسلامی می‌باشد، به گونه‌ای که هدف از بعثت انبیا، اقامه عدل و داد در جامعه بیان شده است: ليقوم الناس بالقسط عدالت به معنی برابری، یکسانی و همانندی می‌باشد که به دو شیوه عدل و عدل بیان می‌شود. عدل در جایی است که مساوات آن با بصیرت و عدل در جایی است که مساوات با حس

درک شود. عدل مساوات در جزا و احسان زیاد کردن پاداش (ابن منظور، 1405؛ 11، 430) عدل دارای دو ریشه متضاد با هم دارد که معنی برابری و انحراف و کجی را می‌دهد. (ابن فارس، 1399؛ 4، 264) عدالت در اصطلاح به معنی اعطای حق به ذی حق یا عدم تجاوز به حق ذی حق (مطهری، 1389؛ 13، 822) ارزش والای عدالت زمانی معلوم می‌گردد که با اجرای آن، جامعه به یک جامعه آرمانی تبدیل می‌شود. در حدیثی رسول الله در این باره فرمودند: «عَدْلُ سَاعَةِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلَهَا وَصِيَامُ نَهَارِهَا» (شعیری، بی‌تا، 124) همچنین امیرمؤمنان درباره عدالت فرمودند: «الْعَدْلُ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَجَمَاعُ الْإِحْسَانِ» (تمیمی آمدی، 1366؛ 446) بنابراین اگر در جامعه‌ای عدالت نباشد یا اجرا نگردد، جامعه‌ای مرده خواهد بود که فقط اجرای عدالت است که می‌تواند حیاتی دوباره ببخشد. اگر جامعه‌ای فاقد عدالت باشد و آثار آن در جامعه، اقتصاد، سیاست، قضاوت و... نمایان نگردد، چنین جامعه‌ای نه تنها اسلامی نیست، بلکه از نظر اخلاقی مطلوب نمی‌باشد. بدین خاطر است که عدالت را از ارکان جامعه می‌توان برشمرد. عدالت شامل عدالت فردی و اجتماعی می‌باشد و آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ» (نحل/90) ناظر بر عدالت اجتماعی می‌باشد که «عبارت از این است که با هر يك از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است، و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مامور به انجام آنند» (طباطبایی، 1374؛ 12، 478)

2-4-3. کارکرد عدالت

اجرای عدالت، ثمرات و نتایجی نیز به دنبال دارد که در فرمایشات حضرت بدان اشاره شده است:

- ا. نظام بخشیدن به حکومت می‌باشد الْعَدْلُ نِظَامُ الْإِمْرَةِ (لثی واسطی، 1376؛ 42)
- ب. نگهداری از مردم است: الْعَدْلُ قَوَامُ الرَّعِيَّةِ (همان، ص 30)
- ج. روح احکام الهی می‌باشد: الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ (همان، ص 18)
- د. باعث تأمین زندگی در جامعه می‌شود: الْعَدْلُ حَيَاةٌ (تمیمی آمدی، 1410؛ 26)
- ه. قوام و بنیاد عالم می‌باشد: الْعَدْلُ أَسَاسٌ يَهْ قَوَامُ الْعَالَمِ (مجلسی، 1403؛ 75، 83)

و. در فرمایشی جامع، امیرمؤمنان نتایج عدالت را موجب برپایی انسان و ستون زندگی او، منزه شدن از ظلم‌ها و گناهان و روشنی چراغ اسلام برشمردند: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قَوَاماً لِلْأَمَامِ وَتَنْزِيهاً مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْأَثَامِ وَتَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ» (تمیمی آمدی، 1366؛ 99)

3- نتیجه گیری

جامعه نیز همانند سایر موضوعات و موارد، دارای پایه و ارکان‌هایی می‌باشد که موجب قوام و پایداری آن می‌شود. از ارکان جامعه می‌توان به صداقت، حق‌پذیری و عدالت نام برد که با وجود این ارکان، مؤلفه‌های اخلاقی دیگری نیز پدید خواهد آمد. صداقت موجب

ارزشمند شدن جامعه، صلاح و به سامان رسیدن امور، الفت مردم، نجات ورستگاری و سلامت می‌گردد. ایثار که نشأت گرفته از جلال و جمال انسان می‌باشد، موجب مستحکم‌تر کردن روابط اجتماعی می‌گردد. وحدت اجتماعی سبب هماهنگی جامعه در نیل به هدف و مقصود می‌شود. عدالت نیز که از ارکان جامعه می‌باشد، موجب نظام بخشیدن به حکومت، حفاظت مردم، تأمین زندگی اجتماعی، قوام دنیا می‌شود.

منابع

- ابن اثیر، عز الدین أبي الحسن علي بن أبي الكرم، 1385 هـ.ق، الكامل في التاريخ، بيروت، دار صادر، دار بيروت
- ابن فارس، أبي الحسين احمد، 1399 ق، معجم مقاييس اللغة، دار الفكر
- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، 1405 ق، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزة
- الفراهیدی، خليل بن أحمد، 1410 ق، العين، مؤسسه دار الهجرة، الطبعة الثانية
- النراقی، المولى أحمد، بی‌تا، معراج السعادة، مؤسسه انتشارات هجرت
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، 1366 هـ.ش، تصنیف غرر الحكم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات
- حسابدار، محمد، 1375، مفاتیح السعادة، اراک، انتشارات توشه، چاپ دوم
- راغب اصفهانی، أبی القاسم الحسين بن محمد، 1427 ق، مفردات ألفاظ القرآن، طلیعة النور، الطبعة الثانية
- سیدرضی، محمد بن حسین، 1414 ق، نهج البلاغه، قم، هجرت
- شعیری، محمد بن محمد، بی‌تا، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریة
- طریحی، فخرالدین، 1363، مجمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضوی
- فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، 1416 ق، التفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، 1407 هـ.ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم
- لیثی واسطی، أبوالحسن علی بن محمد، 1376 هـ.ش، عیون الحكم والمواعظ، دار الحديث، قم، چاپ اول
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، 1403 هـ.ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم
- مصطفوی تبریزی، حسن، 1417، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارة الثقافة الإسلامية
- مطهری، مرتضی، 1389، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا
- نراقی، مهدی بن ابی ذر، بی‌تا، جامع السعادات، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم